**آثار بین المللی برجام**

***سید حسین موسویان***

**مقدمه:**

برجام یکی از مهمترین توافقات بین المللی در تاریخ چند دهه اخیر دیپلماسی جهانی است که دربرگیرنده آثار تعیین کننده ای در مورد معادلات سیاسی – امنیتی و بالانس قدرت درمنطقه، جامعه جهانی واوضاع داخلی کشورهای مذاکره کننده 1+5 و ایران میباشد. هدف این مقاله عمدتا بررسی تاثیرات بین المللی برجام است.

**هفده اثر مهم بین المللی برجام**

تشریح تاثیرات بین المللی برجام در قالب یک مقاله نمیگنجد منتهی میتوان به برخی از تاثیرات مهم بشرح زیر اشاره کرد:

1-اولین اثر مهم بین المللی برای ایران،خروج از فصل هفت منشور سازمان ملل بود. طی چند قطعنامه ای که در دوران دولت قبل به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید، برنامه هسته ای ایران بعنوان تهدید صلح و امنیت جهانی به رسمیت شناخته شد. طبق بندهای 39،40 و 41 فصل هفت منشور، تحریمهای ظالمانه جهانی علیه ایران اعمال شد و صدها میلیارد دلار خسارت به ملت ایران تحمیل شد.

این مصوبه مهمترین موفقیت بین المللی استکبار و صهیونیسم علیه ایران و بدترین ضربه به اعتبار و حیثیت بین المللی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی 1357 بود زیرا عالیترین مرجع سیاسی-امنیتی جهان یعنی شورای امنیت سازمان ملل ایران را بعنوان تهدید صلح و امنیت بین الملل به رسمیت شناخت. برجام در گام اول فصل هفت منشور در مورد ایران را به تعلیق در آمرد تا با اجرای برجام، خروج کامل ایران از این فصل مححق شود.

2-جامعه جهانی هنوز با آثار مخرب دو تجاوز نظامی آمریکا به افغانستان و عراق دست و پنجه نرم میکند ضمن اینکه سالهاست منطقه در آتش عواقب این دو حمله نظامی میسوزد که تروریسم افسار گسیخته تکفیری یکی ازاین عواقب میباشد. جناح جنگ طلب آمریکا با فشار سهمگین صهیونیستها و اعراب معاند ایران، فرصتی طلایی برای حمله نظامی به ایران یافته بودند. اجماع جهانی برای کشاندن پرونده به شورای امنیت و اعمال تحریمها حاصل شده بود و ماده 42 فصل هفت منشور سازمان ملل نیز به حمله نظامی به ایران هم مشروعیت می بخشید. شعارهای افراطی از تهران آتش تهیه دشمن را تغذیه میکرد و افکار عمومی آمریکا و غرب هم با حمله نظامی علیه ایران موافق شده بود. شرایطی که بعد از انقلاب هیچگاه چنین برای جنگ طلبان فراهم نشده بود. در سال 1391 فشارها برای حمله نظامی به ایران به اوج خود رسید. من طی سرمقاله که در خبرگزاری رویتز انتشار و انعکاس وسیعی در سطح رسانه های جهان داشت با ذکر 20 دلیل زیر[[1]](#footnote-1)، حمله نظامی به ایران را احمقانه خواندم:

اول: در میان کشورهای مسلمان، ایران پیشرو درخواست برای برچیدن سلاح های هسته ای است و از نظر مذهبی نیز خود را مقید به عدم استفاده از سلاح های کشتار جمعی کرده است. رهبر ایران فتوایی صادر کرده است که بر طبق آن تولید، انبار کردن و استفاده از انواع سلاح های کشتار جمعی حرام است.

دوم: در دهه ی گذشته، آژانس بین المللی انرژی هسته ای با بیش از 4 هزار ساعت بازرسی بارها اعلام کرده است که هیچ نشانی از انحراف برنامه ی هسته ای ایران به سمت تولید سلاح وجود ندارد.

سوم: سازمان ملی برآوردهای امنیتی ایالات متحده کماکان بر این باور است که ایران سلاح هسته ای ندارد، تصمیمی بر ساخت این سلاح ندارد و در آستانه ی دستیابی به آن نیست. جامعه ی بین الملل نیز این نظر را قبول دارد.

چهارم: حمله ی ایالات متحده به ایران فرایند عدم گسترش سلاح های هسته ای را معکوس و ان پی تی را تضعیف می کند. از آنجا که ایالات متحده عضو ان پی تی و کشوری با بیش از 5 هزار کلاهک هسته ای است، تهدید هسته ای علیه کشوری غیرهسته ای اعتبار ان پی تی را به شدت کاهش خواهد داد.

پنجم: اگر اسرائیل بخواهد به تنهایی به ایران حمله کند، عواقب آن برای ان پی تی حتی از این هم فاجعه بارتر خواهد بود؛ زیرا اسرائیل عضو پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای نیست و این حالت یعنی تهدید کشور بدون سلاح های هسته ای از جانب کشوری هسته ای. در آن صورت حمله ی اسرائیل ان پی تی را از موضوعیت و اعتبار خواهد انداخت و هر گونه تلاش برای منع گسترش سلاح های هسته ای را بی فایده خواهد ساخت.

ششم: حمله ی نظامی نه تأسیسات هسته ای ایران را به صورت کامل نابود می سازد و نه تأخیر قابل توجهی در برنامه هسته ایش ایجاد می کند.

هفتم: در صورت حمله، ایران از ان پی تی کنار خواهد کشید، مذاکرات هسته ای با طرف های بین المللی را تعلیق خواهد کرد، بازرسان را از تمامی تأسیسات هسته ای بیرون خواهد راند و در خفا برنامه ی هسته ایش را پیگیری خواهد نمود.

هشتم: حمله ی اسرائیل یا ایالات متحده به ایران امید به آشتی میان تهران و واشنگتن را برای دهه ها به تعویق خواهد انداخت.

نهم: تردیدی نیست که در صورت وقوع هر گونه حمله، تمامی جناح های سیاسی ایران زیر یک پرچم برای دفاع از سرزمین، اصول، هویت و حقوق خود، و برای مقابله با تهدیدهای امنیتی، متحد خواهند شد.

دهم: تلاش های رئیس جمهور اوباما برای بهبود روابط با دنیای اسلام یکی از مهم ترین اهداف سیاست خارجی آمریکاست. اوباما در سخنرانی چهار ژوئن 2009 خود در شهر قاهره نیز بر این مسئله تأکید کرد و خواستار «شروعی تازه» در رابطه ی میان ایالات متحده ی آمریکا و مسلمانان شد. هر گونه حمله به ایران از سوی ایالات متحده ی آمریکا و اسرائیل، احساسات ضدآمریکایی را در دنیای اسلام و چه بسا در دیگر نقاط جهان بر خواهد انگیخت.

یازدهم: حتی در حال حاضر هم دو جنگ افغانستان و عراق فشار زیادی را بر بودجه ی ایالات متحده ی آمریکا می آورند. تلاش برای آغاز سومین جنگ در زمانی که ایالات متحده تلاش می کند خود را از خطر فروپاشی اقتصادی دور نگه دارد واقع بینانه نیست.

دوازدهم: انتقال امن انرژی از تنگه ی استراتژیک هرمز به خطر خواهد افتاد و ممکن است قیمت نفت به بشکه ای دویست تا سیصد دلار برسد.

سیزدهم: موقعیت آمریکا در خاورمیانه از چند جبهه تحت فشار فزاینده است. نظم سیاسی در برخی کشورهای طرفدار آمریکا مانند مصر، تونس، یمن و لبنان در حال تغییر و روگردانی از ایالات متحده است. در صورت حمله به ایران، این روند شدت خواهد گرفت و وزنه ی نفوذ و قدرت به نفع تهران سنگینی خواهد کرد.

چهاردهم: ایران دایره ی نفوذ و امکانات فراوانی در سرتاسر خاورمیانه دارد که در صورت حمله ی نظامی از آنها استفاده خواهد کرد. قوای نظامی ایران هم از منابع خود و هم از این امکانات استفاده خواهد کرد تا جبهه ی درگیری را به سرعت در تمام منطقه و فراتر از آن گسترش دهد.

پانزدهم: ایران وضعیت را در عراق و افغانستان بسیار پیچیده تر خواهد کرد، آن هم زمانی که از نیروی نظامی آمریکا بیشتر از توانش کار کشیده شده است و قرار است که حضور ارتش آمریکا در دو کشور پایان یابد.

شانزدهم: امنیت اسرائیل برای ایالات متحده اهمیت بسیاری دارد. اگر اسرائیل به ایران حمله کند، هر دو کشور ایالات متحده و اسرائیل عواقب ناگواری را خواهند کشید. فشار افکار عمومی داخلی به علت درگیری در جنگ، روابط میان دو کشور را پرتنش خواهد کرد. اصطکاک میان ایالات متحده و اسرائیل ممکن است در حمایت هر دو حزب اصلی آمریکا از اسرائیل خدشه وارد کند، صحنه ی سیاسی داخل آمریکا را پیچیده تر کند و امنیت اسرائیل را متزلزل سازد.

هفتدهم: اسرائیل هم اکنون نیز کشوری منزوی به شمار می آید. جنگ با ایران این وضعیت را بدتر خواهد کرد و رابطه ی ایالات متحده و اسرائیل با دیگر کشورهای منطقه را بیشتر دستخوش تنش خواهد ساخت.

هیجدهم: حتی اگر اسرائیل دست به اقدام نظامی یکجانبه بزند، ایالات متحده شریک این کشور دانسته خواهد شد و اموال، پایگاه ها و نیروهای آن از پاسخ متقابل ایران مصون نخواهند ماند.

نوزدهم: حمله ی اسرائیل یا ایالات متحده شکاف دیپلماتیک میان آمریکا از یک سو و روسیه، چین و کشورهای غیرمتعهد را به صورت چشمگیری افزایش خواهد داد و حتی ممکن است باعث واگرایی میان واشینگتن و متحدان اروپایی و منطقه ایش شود، همان طور که در هنگام حمله به عراق شاهد این مسئله بودیم.

بیستم: راه حل دیپلماتیک وجود دارد اما غرب و اسرائیل باید رویکرد واقع گرایانه تری را انتخاب کنند. ایران آماده ی همکاری بر سر مسائل اصلی و دستیابی به توافقی منصفانه است. سرفصل های همکاری عبارتند از ادامه ی همکاری با آژانس و نگه داشتن غنی سازی در سطح 5 درصد، و دادن اطمینان به جامعه ی بین الملل که ایران قصد ساختن بمب اتم را ندارد.

برجام تهدید جنگ علیه ایران را کاملا منتفی کرد، جنگی که برای ایران و منطقه و جامعه جهانی از جمله خود آمریکا خانمان سوز میبود.

3-سومین تاثیر کلیدی برجام برای ایران شکسته شدن اجماع جهانی علیه ایران بود. روابط خارجی ایران بعد از انقلاب فراز و نشیبهای فراوان داشته است. اما در کل، روابط ایران و جهان غرب مستمرا دچار تشنج بوده است . بااین وجود دوبلوک قدرتمند جهان غرب یعنی اروپا و آمریکا، تا سال 1384 در مورد نحوه تعامل باایران دچار اختلاف بودند.آمریکا معتقد به "تغییر رژیم" در ایران و اروپا معتقد به حفظ روابط با پسوند "دیالوگ انتقادی" بود. آمریکا مستمرا تحریم میکرد و اروپا با حفظ روابط تجاری و صنعتی، منتقد سیاستهای فرامرزی آمریکا بود. در نیمه دوم سال 1384 با آغاز دولت نهم پرونده هسته ای ایران با اجماع قدرتهای جهانی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد و تحریمها اعمال شد. اما نکته بیسابقه این بود که نه تنها اروپا برای اولین بار به آمریکا پیوست بلکه در اعمال تحریمهای کشنده علیه ایران بر آمریکا سبقت گرفت. تحریمهای چند جانبه نفت و بانک مرکزی ایران را ابتدا اروپا اعمال کرد و بعد آمریکا. در صحنه بین المللی ، برجام دو نوع اجماع بیسابقه علیه ایران را شکست:

 اول: اجماع قدرتهای بلوک شرق وغرب در اعمال تحریمهای سازمان مللی و

 دوم: اجماع اروپا و آمریکا در اعمال تحریمهای یکجانبه.

 بعد از برجام و در قضیه آزمایشات موشکی ایران، چین و روسیه و اروپا حاضر نشدند قطعنامه مجازات علیه ایران در شورای امنیت صادر شود. کنگره آمریکا هم مصوباتی داشت که برخی را دولت اوباما پذیرفت اما هیچکدام را روسیه و چین و اروپا نپذیرفتند.

4- تحول کلیدی بین المللی چهارم، پذیرش حق ایران در بهره مندی از تکنولوژی صلح آمیز هسته ای بویژه غنی سازی و آب سنگین ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل که عالیترین مرجع سیاسی و امنیتی جهان است. شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه های متعدد در دوران دولت قبلی ،تصویب کرده بود که ایران باید تمام فعالیتهای هسته ای و مرتبط با هسته ای را برای مدت نامعلومی متوقف کند. ایران عضو سازمان ملل است و اجرای قطعنامه های سازمان ملل برای کلیه اعضاء الزامی است و نه اختیاری. لذا هدف مهم ایران به کرسی نشاندن حق مشروع بهره مندی از تمام تکنولوژیهای صلح آمیز هسته ای در صحنه بین المللی بود که با برجام به این هدف دست یافت. حرف اصلی مخالفین برجام در واشینگتن و تل آویو هم این است . همین چند روز قبل هم الیوت آبرامز نویسنده مشهور تندرو آمریکا در روزنامه اورشلیم پست نوشت که برجام دستیابی ایران به بمب هسته ای را به تاخیر انداخت ولی در عوض به آن مشروعیت بخشید.

5- اثر فراتر از حق غنی سازی ایران این بود که بعد از چندین دهه بالاخره قدرتهای جهانی رسما و قانونا این حقیقت را پذیرفتند که از دیدگاه معاهده عدم اشاعه سلاحهای هسته ای، ان پی تی، غنی سازی مجاز است. در چند دهه گذشته برخی از قدرتهای جهانی غربی بویژه آمریکا استدلال میکردند که این معاهده حق بهرمندی کشورهای عضو برای تکنولوژی صلح آمیز هسته ای را به رسمیت میشناسد اما نه الزاما حق غنی سازی را. آنها تاکید میکردند که در معاهده عدم گسترش، هیچ اسمی از غنی سازی آورده نشده است. برجام تنها سند بین المللی در تاریخ برنامه هسته ای جهان است که هرپنج عضو دایمی شورای امنیت سازمان ملل غنی سازی و آب سنگین یک کشور را به رسمیت شناخته ، امضاء کرده و بصورت مصوبه شورای امنیت سازمان ملل درآمده است. لذا این تحولی مهم در تفسیر جامعه جهانی از "حق بهره مندی از تکنولوژی صلح آمیز هسته ای" در معاهد ان پی تی است.

 6- ششمین بعد مهم بین المللی برجام در مورد تحریمها و مجازاتهاست .تحریمهایی که علیه ایران تحمیل شد، بدترین تحریمهایی بود که در تاریخ سازمان ملل علیه یک عضو این سازمان تحمیل شده بود. لابی ضد ایران در آمریکا تشنه تشدید تحریمها بود و در دوره اول ریاست جمهوری اوباما هم بدترین تحریمها اعمال شد. من در همه محافل بین المللی و در مقالات و مقالاتم تلاش میکردم که باذکر 12 دلیل آمریکاییها و قدرتهای جهانی را از سیاست تحریم منصرف کنم. دوازده دلیل [[2]](#footnote-2)من که در المانیتور هم منتشر شد از این قرار بودند:

اول: تحریم ها چه به صورت یکجانبه و چه چند جانبه از زمان انقلاب اسلامی ایران، هسته اصلی سیاست ایالات متحده در قبال ایران بوده اند. باراک اوباما، رئیس جمهور کنونی آمریکا، زمانی که برای نخستین بار وارد کاخ سفید شد، تاکید کرد قصد دارد سیاست تعامل با ایران را دنبال کند. اما در دور نخست ریاست جمهوری وی، سخت ترین تحریم های تاریخ آمریکا علیه ایران اعمال شد.

دوم: استراتژی تحریم رشد اقتصادی و صنعتی ایران را کاهش داده ، سرمایه گذاری های خارجی را محدود کرده ، ریال را ضعیف کرده،  نرخ تورم را چند برابر کرده و تولید و صادرات نفت و گاز را کاهش داده است. محمود بهمنی، رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ، در توصیف اثر تحریم ها می گوید که این تحریم ها چیزی کمتر از جنگ نظامی ندارند. حتی محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور که زمانی تحریم ها را رفتاری تمسخر آمیز توصیف کرده بود، اکنون می گوید تحریم ها اقتصاد ایران را تحت تاثیر قرار داده است.

سوم:به این ترتیب اگر هدف تحریم ها ، صدمه زدن به مردم ایران بوده، این هدف محقق شده است. اما در صورتی که تحریم ها به منظور راضی کردن تهران به دست کشیدن از برنامه های هسته ای اش، طراحی شده باشند، آنها شکست خورده و در واقع به فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی نیز شتاب بخشیده اند. این نتیجه ای است که من پیش بینی کرده بودم. ایرانیان با توجه به طرز تفکر،فرهنگ و عقاید مذهبی، مخالف تسلیم شدن هستند و به همین دلیل برنامه های هسته ای خود را توسعه دادند.

چهارم: همانگونه که گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی نشان می دهد، پیش از اعمال تحریم ها ایران یک تاسیسات غنی سازی، یک تاسیسات پایلوت با 164 سانتریفوژ با درجه غنی سازی 3.5 درصد، یک نسل از سانتریفوژها و حداکثر 100 کیلوگرم ذخیره اورانیوم غنی شده داشت. اما امروز ایران دو تاسیسات غنی سازی با 12 هزار سانتریفوژ در اختیار دارد و می تواند غنی سازی را با خلوص 20 درصد انجام داده و از سانتریفوژهای نسل جدید استفاده کند که تا کنون ذخیره ای 8 هزار کیلوگرمی از اورانیوم غنی شده در اختیار ایران قرار داده است.

پنجم: پیشرفت هسته ای ایران در زمان اعمال تحریم ها جای تردیدی باقی نمی گذارد که زور و اجبارغرب، عامل مهمی در سوق دادن جمهوری اسلامی به سمت خود کفایی در تکنولوژی هسته ای بوده است. پدیده مشابهی در جریان جنگ ایران و عراق رخ داد. پیش از این درگیری، ایران نمی توانست حتی یک گلوله تولید کند و به طور کامل به تسلیحات غربی وابسته بود. اما در دوران جنگ و پس از آن، باوجود افزایش تحریم ها، ایران صنعت دفاعی عظیمی را بنیانگذاری کرد و در تولید سلاح به خودکفایی رسید. ایران هم اکنون موشک های دور برد ساخته و حتی یک ماهواره نیز به فضا فرستاده است.

ششم: ایالات متحده نیز در خلال سیاست تحریم ها، نفوذ شرق در ایران را زمینه ساز شد. از سال 2001، صادرات چین به ایران تقریبا 6 برابر شد. هرچند اروپا در سال های 1990، حدود 50 درصد از اقتصاد ایران را تشکیل می داد، به واسطه تحریم ها، این جایگاه خود را از دست داد. به بیان دیگر، غرب خود را علیه نفوذ در ایران تحریم کرد و راه را برای ورود رقبایی مانند چین، روسیه و هند باز کرد. در واقع تحریم ها، جهت تجارت بین المللی ایران را از غرب به شرق تغییر داد.

هفتم: این در حالی است که ایرانیان در جمع ملیت های دیگر در منطقه، کمترین خصومت را با ایالات متحده دارند. مقامات آمریکایی می دانند که تحریم ها مردم عادی را تحت تاثیر قرار داده و به این ترتیب ریسک نشاندن بذر نفرتی دراز مدت در دل ایرانیان علیه آمریکا، وجود دارد. نظرسنجی گالوپ نشان می دهد که ایرانیان پیامد تحریم ها را حس کرده اند و به جای سرزنش رهبران خود، ایالات متحده را در این زمینه مقصر می دانند.

هشتم: تحریم ها طبقه متوسط در جامعه را از بین برده و بخش خصوصی را به نفع بخش دولتی به حاشیه رانده است. علاوه بر این، تحریم ها تجارت را از سیستم بانکداری رسمی خارج و به سمت شبکه های زیرزمینی متمایل کرده است. در نتیجه تحریم ها، غرب ایران را ناگزیر کرده تا از اقتصاد بازاری فاصله بگیرد.

نهم: اکنون واضح است که ایالات متحده در استفاده از تحریم ها برای برانگیختن همکاری تهران، موفق نبوده است. سیاست تحریم غرب به رادیکال تر شدن ایران منجر شده است. رضا نقدی، فرمانده بسیج، مخالف آن است که ایران در دور بعدی مذاکرات هسته ای، پیشنهاد لغو تحریم ها را ارائه دهد. وی بر این باور است که تحریم ها پتانسیل نهفته ایران را آزاد کرده و تحریم نفتی موجب شده که وابستگی ایران به فروش نفت از بین برود.

دهم: توسعه تکنولوژی هسته ای یک مساله افتخار و غرور ملی برای ایرانیان است. اکثریت ایرانیان از برنامه های هسته ای دفاع می کنند. نظرسنجی گالوپ در دسامبر 2012 ، نشان داد که 63 درصد ایرانیان اعتقاد دارند با وجود تحریم ها، برنامه های هسته ای باید پیش برود. در این بین تنها 17 درصد مخالف بوده اند.

 یازدهم: فشار و تحریم ها، تردید ها در مورد منافع ایران در عضویت در پیمان منع اشاعه هسته ای را افزایش داده است. محمد علی جعفری، فرمانده سپاه، اخیرا در یکی از کنفرانس های خبری به صراحت از احتمال خروج ایران از ان پی تی ، سخن گفته است.

 دوازدهم:همچنین تحریم ها موجب شده اند که جمهوری اسلامی اینگونه نتیجه گیری کند، آمریکا در سیاست تعامل با تهران، جدی نیست و در مقابل سیاست سنتی خود مبتنی بر تغییر رژیم را همچنان دنبال می کند. مقام معظم رهبری در سخنرانی خود تاکید کرده اند که هر زمان که به راه حل نزدیک می شویم، آمریکایی ها مشکلی ایجاد می کنند تا از دستیابی به راه حل جلوگیری کنند. ایشان ادامه دادند، به گمان من هدف آنها غیر قابل حل نگاهداشتن این موضوع است تا بهانه ای برای افزایش فشار بر ایران داشته باشند.

خوشبختانه با برجام هم قطار اعمال تحریمهای جدید متوقف شد و هم ساختار قانونی تحریمهای یک جانبه و چند جانبه و بین المللی هسته ای را در هم شکست . تاریخ سازمان ملل نشان میدهد کشورهایی که درقالب فصل هفت منشور تحریم شدند، نهایتایا تسلیم شدند یا با حمله نظامی مواجه شدند. ایران اولین کشور در تاریخ شورای امنیت سازمان ملل است که بدون تسلیم و جنگ، هر شش قطعنامه شورای امنیت را کان لم یکن کرد ، تحریمها را برداشت و حق غنی سازی را نیز گرفت. در مدت کوتاه شش ماهی که از اجرای برجام میگذرد، هم بخش های مهمی از تحریمهای اساسی مثل تحریم نفت و بانک مرکزی و سوییفت هم در عمل برداشته شد و روند رفع عملی تحریمها ادامه خواهد یافت.

7-گشایش در روابط خارجی هفتمین تاثیر مهم بین المللی برجام بود. بخاطر قطعنامه های سازمان ملل و برخی از شعارهای بی قاعده و تند در دولت قبل مثل نفی هولوکاست، روابط خارجی ایران به پایین ترین سطح خود بعد از انقلاب تنزل یافت. برخی از کشورها مثل کانادا و انگلیس روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند، سایر کشورهای مهم مثل اروپا و ژاپن و حتی کره جنوبی سفرهای متقابل در سطح سران و وزراء را قطع کردند. یکی از سفرای مهم ما در اروپا به من گفت بیش از یکسال کشور وزیر خارجه و رییس جمهور کشور متوقف فیه حتی برای دریافت استوارنامه به او وقت ندادند تا اینکه انتخابات ریاست جمهوری 92 انجام شد و بعد از آن به او وقت ملاقات دادند. چنین پدیده ای را ما در وابط بین المللی خود در بعد از انقلاب نداشتیم حتی در دوران جنگ. چنین وضعیتی وهن نظام در صحنه بین الملل بود. خوشبختانه بعد از برجام رفت و آمدهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی هم به بالاترین سطح ارتقاء یافت بطوریکه چنین حجمی در روابط دیپلماتیک تاریخ جمهوری اسلامی بیسابقه بوده است. این ارتقاء روابط دیپلماتیک، اعتباری برای نظام و انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران است که بحق شایسته آن است. دونالد ترامپ در سخنرانی اخیر انتخاباتی خود با فاجعه خواندن برجام گفت که برجام ایران را به یک قدرت بلامنازع و در حقیقت قدرت مسلط خاورمیانه تبدیل کرد. صهیونیستها و مخالفین برجام مرتب در رسانه های آمریکا و رژیم صهیونیستی مینویسند که آمریکا بابرجام به برتری قدرت ایران در منطقه مشروعیت بخشید. آثار بین المللی ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران اجتناب ناپذیر خواهد بود.

8-انقلاب اسلامی 1357 ایران یک شعار مهم در روابط بین الملل را معرفی کرد و آن اصل اساسی در سیاست خارجی "نه شرقی و نه غربی" بود. تحریمها روابط ایران با بلوک غرب را به صفر نزدیک کرد و ایران را بسمت وابستگی به بلوک شرق کشاند. برجام باعث شد که ایران تعادل در روابط با بلوک شرق و غرب را برای ایران ممکن ساخته و استمرار اصل " نه شرقی و نه غربی" را استحکام ببخشد. شکست یا موفقیت ایران در پیشبرد اصل "نه شرقی-نه غربی" خود، تاثیرات قابل توجهی در آینده روابط بین الملل خواهد داشت.

9-نهمین تاثیر بین المللی برجام ، تاکید برحق بهره مندی بدون تبعیض کشورهای عضو معاهده هسته ای است. حقیقت این است که بعد از اجرایی شدن معاهده هسته ای در دهه 1970، تبعیض در حق بهره مندی کشورهای عضو از تکنولو ژیهای صلح آمیز هسته ای مشهود بوده و این تبعیض در بدترین نوع خودش علیه ایران در طول 36 سال اعمال شد. دسترسی به تکنولوژهای پیشرفته هسته ای جهان از اهداف مهم دیگر ایران در مذاکرات بود. بعد از انقلاب، قدرتهای غربی ایران را در مورد کلیه تکنولوژیها و تجهیزات و مواد هسته ای تحریم کردند. آلمانها قراداد اجرای پروژه بوشهر را متوقف کردند، فرانسویها قرارداد تحویل سوخت هسته ای را متوقف کردند و سایر کشورهای غربی هم همینطور. بسیاری از قدرتهای بلوک شرق مثل چین و هند هم توافقات هسته ای با ایران را متوقف کردند. برجام این بن بست را بعد از 36 سال شکست و امروزه ایران به بازار مواد و تجهیزات و تکنولوژی هسته ای جهان دسترسی پیدا کرده بطوریکه به آمریکا هم آب سنگین صادر میکند. تکنولوژی هسته ای از مهمترین تکنولوژها در جهان صنعت است. دسترسی ایران به تکنولوژی روز هسته ای، راه را برای دسترسی به سایر تکنولوژهای مهم صنعتی نیز هموار میکند. منتهی نکته مهم این است که در برجام تصریح شد که قدرتهای جهانی باید بدون تبعیض حق بهرمندی ایران در مورد بهره مندی از تکنولوژی صلح آمیز هسته ای را اجراء کنند. این واقعیت شرایط بین المللی دسترسی کشورها به تکنولوژی هسته ای را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

10- برجام در حقیقت جامعترین توافقی است که در زمینه پیشگیری ازدسترسی به بمب هسته ای در تاریخ هسته ای جهان به امضاء قدرتهای جهانی رسیده است. استراتژی هسته ای ایران بر این مبناست که هیچ کشوری بمب هسته ای نداشته باشد ضمن اینکه همه کشورها بتوانند از تکنولوژی صلح آمیز هسته ای بهرمند شوند. لذا اگر قدرتهای جهانی در تحقق جهانی عاری از سلاح هسته ای جدی باشند، برجام کاملترین نسخه مکتوبی در زمینه عدم اشاعه سلاح هسته ای در صحنه بین المللی است که عمومیت بخشیدن آن میتواند جهان عاری از سلاح هسته ای را تحقق بخشد.

11- یازدهمین تاثیر بین المللی که برجام میتواند داشته باشد، تحقق مصوبات سازمان ملل در مورد عاریسازی خاورمیانه از سلاح هسته ای است. بیش از 40 سال است که مصوبات سازمان ملل در این مورد ابتر مانده است. اگر اصول برجام در منطقه خاورمیانه اجراء شود، عملا خاورمیانه عاری از سلاحهای هسته ای شکل خواهد گرفت و فتوای دینی مقام معظم رهبری در نفی سلاحهای هسته ای نیز در سطح منطقه خاورمیانه اجرایی خواهد شد.

12- تحریم نفت ایران معادلات اوپک که یک سازمان بین المللی است را به نفع عربستان تغییر داد. فروش نفت ایران به یک میلیون بشکه کاهش و متقابلا عربستان فروش نفت خود را افزایش داد. افزایش وابستگی جهان به نفت عربستان، قدرت مانور سیاسی وامنیتی و اقتصادی عربستان در صحنه بین الملل را افزایش داد. بویژه اینکه ادامه تحریمها ، فروش نفت ایران را به صفر میرساند. برجام به تحریم نفت ایران خاتمه بخشید و ایران را در موقعیتی قرارداد که نه تنها از بازار فروش نفت در جهان حذف نشود بلکه به سهمیه قبلی خود بازگردد. بازگشت ایران به جایگاه بین المللی گذشته خود در صحنه انرژی، تاثیرات مثبتی به نفع ایران داشته و خواهد داشت.

13- روابط بین الملل در چند دهه گذشته در موارد متعدد تحت تاثیرروابط ایران و آمریکا قرار گرفته است. ایران و آمریکا خصمانه ترین نوع روابط را در تاریخ چند دهه اخیر دیپلماسی جهان تجربه کرده اند. برجام فرصتی ایجاد کرد که برای اولین بار بعد از انقلاب 1357، ایران و آمریکا در سطح وزرای خارجه به مذاکره نشستند و طولانی ترین مذاکرات چند دهه اخیر تاریخ دیپلماسی بین المللی را نیز شکل دادند.

از ابتدا روش بود که:

اولا: جمهوری اسلامی ایران برجام را بافرض اعتماد به آمریکا امضاء نخواهد کرد همانطور که آمریکا هم برجام را با فرض اعتماد به ایران امضاء نکرد.

ثانیا: برجام در مورد حل و فصل مشکلات روابط ایران و آمریکا نخواهد بود و تهران هم از ابتدا قصد نداشت با برجام به رابطه با آمریکا برسد. هرچند اوباما، رییس جمهور آمریکا چنین فرضیه ای را در ذهن داشت و آمادگی آن را هم داشت منتهی هدف مقام معظم رهبری از موافقت با مذاکرات مستقیم سطح بال،ا فقط در مورد موضوع هسته ای بود.

ثالثا: روابط با ایران در داخل آمریکا مخالفین قسم خورده ای دارد که لابی صهیونیستها و اعراب معاند پشت صحنه بسیاری از این مخالفتها و دشمنی ها و جو سازیها علیه ایران است. البته روابط با آمریکا هم در داخل ایران با مخالفتهای بسیار جدی و اساسی روبرو بوده و هست و خواهد بود.

لذا مخالفین برجام در آمریکا که در راس آن نومحافظه کاران، لابی صهیونیست و اعراب تکفیری بودند بعد از قطعی شدن برجام با لوایح و مصوبات جدید کنگره کارشکنی ها را آغاز کردند که قطعا مخالف روح برجام بود و آنها هم دقیقا با همین هدف اقدام کردند. صهیونیستها و لابی اعراب تکفیری به رهبری عربستان و منافقین هم قبل و بعد از برجام لحظه ای آرام ننشسته و نخواهند نشست تا اولا برجام را با مشکل مواجه کنند و ثانیا، اگر نتوانستند، دشمنی آمریکا با ایران را تقویت کنند و مانع هرگونه تشنج زدایی در روابط واشینگن با تهران شوند.شرایط برای این جبهه بعد از اوباما بسیار فراهم تر خواهد شد.

 رابعا: بی اعتمادیها و خصومتها متقابل دوکشور ریشه دار و تاریخی است وتوقع هم نبوده با برجام برطرف شود. من شخصا در شش سال گذشته با تمام ظرفیت خود تلاش کرده ام دلایل بی اعتمادی ایران به آمریکا را برای مردم آمریکا تشریح کنم . در اجتماع دانشگاه جنگ آمریکا با حضور 400 ژنرال آمریکایی منشور 20 ماده ای دلایل بی اعتمادی ایران به آمریکا[[3]](#footnote-3) را به شرح زیر ارائه کردم:

اول:آمریکا و انگلیس در اوایل 1950 با ملی شدن صنعت نفت ایران مخالفت ‌و با تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل، ملی شدن نفت ایران را تهدید صلح و امنیت بین الملل خوانده و ملت ایران را به خاطر ملی کردن صنعت نفتشان، تحریم اقتصادی کردند؛ همین سیاست را آمریکا و غرب در مورد ملی شدن صنعت هسته ای ایران اعمال کرده‌اند..

دوم: آمریکا و انگلیس در سال 1953 با کودتا علیه حکومت منتخب و ملی دکتر محمد مصدق، در حقیقت ریشه دمکراسی را برای 25 سال در ایران خشکاندند.

سوم: آمریکا و غرب 25 سال از حکومت دیکتاتوری و فاسد شاه در ایران حمایت کردند که در حقیقت انقلاب اسلامی ایران واکنشی به این سیاست آمریکا بود.

چهارم:از ابتدای انقلاب اسلامی 1979 ایران، دولت‌های آمریکا به دنبال سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و "تغییر رژیم" در ایران بودند. تنها در زمان اوباما این سیاست در پروسه تجدید نظر قرار گرفته است.

پنجم: بعد از انقلاب اسلامی 1979‌، آمریکا و غرب میلیاردها دلار پروژه صنعتی ایران را ناتمام رها کرد، در حالی که هم طبق قراردادها متعهد ‌و هم هزینه پروژه را دریافت کرده بود.

ششم: در سال 1980 صدام به ایران تجاوز کرد؛ آن هم به قصد تجزیه ایران. آمریکا و قدرت‌های شرق و غرب از متجاوز حمایت کردند که این تجاوز 300 هزار شهید، یک میلیون مجروح، دو میلیون آواره و حدود 1000 میلیارد دلار خسارت برای ایران به بار آورد.

هفتم: در دوران تجاوز به ایران، آمریکا و غرب تکنولوژی و مواد سلاح‌های شیمیایی را در اختیار صدام حسین گذاشت. صدام از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کرد که موجب کشته و زخمی شدت حدود 100 هزار ایرانی شد.

هشتم:در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آمریکا طی بمباران تأسیسات نفتی ایران، بزرگ‌ترین عملیات نظامی نیروی دریایی خود بعد از جنگ جهانی دوم را علیه ایران انجام داد.

 نهم:در زمان تجاوز عراق به ایران، آمریکا هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز آبهای خلیج فارس سرنگون کرد و 290 مسافر بی‌گناه از جمله 66 کودک را کشت.

دهم:در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، ایران دعوت "حسن نیت در مقابل حسن نیت" رئیس جمهورآمریکا ‌بوش (‌پدر) را برای تسهیل در آزادی گروگان‌های آمریکایی و غربی در لبنان پذیرفت؛ اما بعد از آزادی گروگان‌ها، آمریکا به جای حسن نیت، تحریم‌ها و فشارها را افزایش داد.

یازدهم:در دوران ریاست جمهوری خاتمی، ایران با ارتش آمریکا برای سرنگونی القاعده و طالبان همکاری کرد، ولی در پاسخ رئیس جمهور‌بوش (پسر)‌، ایران را "محور شرارت" خواند.

دوازدهم:حتی در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد ایران برای حل مشکلات با آمریکا حسن نیت به خرج داد. من فقط اقدامات ایران در یک سال دوران آقای احمدی نژاد یعنی سال 2011 را می‌گویم:

الف) معاون وزیر خارجه ایران، مارک گروسمن نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان را برای سفر رسمی به ایران جهت گفت‌وگو در مورد همکاری در افغانستان دعوت کرد و واشینگتن نپذیرفت.

ب) ایران از طرح هسته ای گام به گام روسیه حمایت کرد اما آمریکا نپذیرفت. چهارچوب آن طرح همین توافقی است که اکنون انجام شده است.

ج) ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی پیشنهاد "پنج سال نظارت کامل" را داد و امریکا رد کرد.

د) ایران کوهنوردهای آمریکایی را آزاد کرد.

ه) ایران پیشنهاد توقف غنی سازی 20% و محدود کردن غنی سازی به 5% را در مقابل دریافت سوخت راکتور تهران ارایه کرد اما آمریکا نپذیرفت.

در مقابل این همه حسن نیت بی سابقه، آمریکا و غرب هم تحریم‌ها را افزایش دادند و هم قطعنامه در مورد تروریسم و حقوق بشر علیه ایران در سازمان ملل را تصویب کردند.

سیزدهم:از ابتدای انقلاب تا کنون  آمریکا با جایگاه طبیعی و منافع مشروع ایران در منطقه مقابله کرده است.

چهاردهم:آمریکا با صدور بی‌سابقه تسلیحات به کشورهای عربی منطقه، در حقیقت منطقه را میلیتاریزه کرده، در حالی که ایران را مورد تحریم کامل تسلیحاتی قرار داده است.

 پانزدهم: آمریکا در سرتاسر مرزهای ایران حضور نظامی برقرار کرده است.

شانزدهم:آمریکا با حمایت بی چون و چرا از اسراییل موجب نقض حقوق مشروع فلسطینی‌ها شده و چک سفید امضای آمریکا به اسراییل، موجب شده تا این رژیم به راحتی تمام مقر‌رات جهانی را زیر پای بگذارد.

هفدهم:در حالی که آمریکا مدعی دمکراسی و حقوق بشر است، در خاورمیانه در دهه های گذشته، صرفا از رژیم‌های دیکتاتوری حمایت کرده است؛ از شاه و بن علی و مبارک گرفته تا رژیم‌های ظالم فعلی عربی.

هیجدهم: واشینگتن سیاست دوگانه را ادامه داده است و برای مثال با کشورهای هند و پاکستان و اسراییل رابطه استراتژیک برقرار کرده، در حالی که آنها معاهده ان‌پی‌تی را نپذیرفته و بمب هسته‌ای هم ساخته‌اند. متقابلا آمریکا همه تحریم‌ها را علیه ایرانی اعمال کرده که هم معاهده ان‌پی‌تی را پذیرفته و هم بمب هسته‌ای ندارد و هم نشانه‌ای از انحراف در برنامه هسته‌ای آن مشاهده نشده است.

 نوزدهم:آمریکا از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند، چه گروه‌های تروریستی مخالف بشار اسد در سوریه و چه گروه‌های تروریستی ضد جمهوری اسلامی مثل جندالله یا منافقینی که 17000 ایرانی را بعد از انقلاب کشته‌اند و الان هم در کنار کنگر‌ه آمریکا دفتر دارند.

بیستم:از ابتدای انقلاب، آمریکا به حقوق مشروع هسته ای ایران مخالفت کرد. میلیاردها دلار خسارت به ایران وارد شد. پول سوخت راکتور تهران را گرفت و نه پول را پس داد و نه سوخت را. ‌به آلمان و فرانسه فشار آورد و موجب شد که آنها به تعهدات خود عمل نکنند. ایران حدود 8 میلیارد مارک به آلمان برای پروژه بوشهر پرداخته ‌و 90% پروژه هم تمام شده بود. ایران 1.2 میلیارد دلار به فرانسه برای تولید مشترک سوخت در ‌خاک فرانسه پرداخت کرده بود. وقتی که ایران به تکنولوژی غنی سازی برای تأمین سوخت دست یافت‌، آمریکا و اسراییل با جنگ سایبری و کشتن دانشمندان هسته‌ای ایران، وارد مقابله با حقوق مشروع ایران شدند. همه این اقدامات در جای صورت گرفت که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در سال 2007 و 2011 گزارش دادند ‌ایران نه بمب هسته ای دارد و نه تصمیمی برای ساخت آن. این سیاست‌های خصمانه هسته ای آمریکا دلیل بی اعتمادی ایران در مذاکرات جاری هسته ای است.

منتهی واقعیات زیر را نمیتوان منکر شد:

اولا: مذاکرات در سطح وزرای خارجه دوکشور برای اولین بار صورت گرفت و با موفقیت خاتمه یافت. مذاکرات هسته ای بین المللی بود اما ایران وآمریکا دو کشور کلیدی در مذاکرات برجام بودند.

ثانیا: بدنه کارشناسی دستگاههای دیپلماسی دو کشور جدی ترین مذاکرات تاریخ روابط را تجربه کردند.

ثالثا: در کنار برجام و برای اولین بار مذاکرات مقامات امنیتی دو کشور مستقیم و رسمی انجام شد و به آزادی تعدادی از زندانیان دوکشور ختم شد. لذا این مذاکرات هم با موفقیت نسبی مواجه بود.

رابعا: مخالفت صهیونیسم و اعراب وهابی به رهبری عربستان با مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا و نیز با برجام، دست کشورهایی که در پشت صحنه آتش بیار معرکه خصومت ایران وآمریکا بودند را برای جامعه بین الملل رو کرد.

خامسا: دوکشور درقالب گفتگوهای بین المللی، مذاکرات در مورد سوریه را تجربه کردند. ورود ایران به مذاکرات بین المللی سوریه نقش مهمی در تعدیل نسبی سیاستهای آمریکل در مورد سوریه داشت. قبل از آن آمریکا بر " اسد باید برود" اصرار داشت، حجم کمکهای آمریکا به گروههای تروریستی فوق العاده بالا بود و آمریکا یکپارچه در کنار عربستان و دشمنان منطقه ای ایران بود. بعد از ورود ایران، امریکا " شعار اسد باید برود" را فوق العاده کمرنگ کرد، کمکهای تسلیحاتی به گروههای تروریستی را کاهش داد، هرچند هنوز ادامه دارد، و رسما هم پذیرفت که بحران سوریه راه حل نظامی ندارد و تصمیم در مورد بشار اسد هم بعهده مردم سوریه با انتخاباتی آزاد خواهد بود. اینها همه مواردی بود که ایران اصرار داشت و عربستان مخالف بود.

سادسا: موضوع هسته ای از دشوارترین اختلافات چند دهه گذشته ایران و آمریکا بود. حل این اختلاف از طریق مذاکره نشان داد که اگر حسن نیت و اراده سیاسی وجود داشته باشد، راه برای ختم خصومتها وجود دارد. خصمومت هایی که آثار مهمی نه تنها برای دوکشور و منطقه، بلکه در صحنه بین المللی داشته و خواهد داشت.

14- برجام موجب تغییر در روابط آمریکا با رژیم صهیونیستی و نیز متحدین عربش شد، پدیده ای که در چند دهه اخیر در روابط خارجی آمریکا مشاهده نشده بود. آمریکا نقش بسزایی در مسایل بین المللی دارد. اوضاع داخلی آمریکا هم تاثیر مهمی بر تصمیمات سیاست خارجی این کشور دارد. کمتر مسئله سیاست خارجی آمریکا در سی سال گذشته مثل برجام در داخل آمریکا اینگونه فضای داخلی آمریکا را تحت تاثیر قرار داد. کار بجایی کشید که دوطرف در سراسر آمریکا اقدام به لشگر کشی خیابانی کردند. در رسانه ها و شبکه های تلویزیونی آگهی تبلیغاتی منتشر میکردند. نتانیاهو شخصا در کنگره آمریکا حدود یکساعت علیه برجام و رییس جمهور آمریکا سخنرانی کرد. سعودیها صدها میلیون دلار بین رسانه ها و شبکه های لابی و کنگره و رسانه ها خرج کردند. محمد بن سلمان وزیر دفاع عربستان اخیرا به آمریکا سفر کرد و ملاقاتهای متعددی داشت. مسئله اول او هم ضربه زدن به برجام و تحریک آمریکاییها برای تقابل با ایران بود. شکاف در روابط آمریکا با متحدین منطقه ایش بحدی اوج گرفته که تل آویو و پایتختهای عربی از تغییر سیاست اوباما در مورد ایران ناامید شده و برای اتمام دوره ریاست جمهوری او روزشماری میکنند. هنگامی خشم سعودیها به اوج رسید که اوباما در مصاحبه چند ماه قبل رسما اعلام کرد که عربستان و ایران باید منطقه را شریک شوند. لاکن این روند ممکن است با انتخاب رییس جمهور بعدی ،چه ترامپ باشد و چه کلینتون، تغییر نموده و منفی شود.

15- پانزدهمین تاثیر بین المللی برجام توقف جنگ سایبری آمریکا علیه تاسیسات هسته ای ایران است. آمریکا و اسراییل در اوج بحران هسته ای ، جنگ سایبری علیه تاسیسات هسته ای ایران براه انداختند و تعدادی از دانشمندان هسته ای ایران را ترور کردند.من در فعالیتهای دیپلماسی عمومی خود در آمریکا خطرات این سیاست را مفصل برای آمریکاییها تشریح میکردم. با انتشار یادداشتی اختصاصی برای روزنامه " گلف نیوز" 10 دلیل مهم   به شرح زیر برای اثبات ناکارآمدی و غیر قانونی بودن حملات سایبری و دیگر اقدامات در راستای " جنگ پنهان" آمریکا با برنامه هسته ای ایران تشریح کردم[[4]](#footnote-4):

اول: جنگ سایبری نقض صریح حقوق بین الملل است. طبق منشور ملل متحد استفاده از نیروی نظامی تنها برای دفاع از خود و با کسب اجازه از سورای امنیت مجاز است.

دوم:مغایرت جنگ سایبری آمریکا علیه تاسیسات هسته ای ایران با مفاد قرار داد  الجزایر بین ایران و آمریکا. در قرار داد الجزایر، آمریکا متعهد شده است به هیچ عنوان در مسایل و امور داخلی ایران  دخالت نکند.

سوم:جنگ سایبری آمریکا ایران را در ادامه مسیر هسته ای خود ثابت قدم تر و برای کسب پیشرفت های هسته ای بیشتر حریص تر کرده است . ایران پیشتر تنها یک مرکز غنی سازی با 160 سانتریفیوژ با ذخائر اورانیوم 3و نیم درصد غنی شده در حد 100 کیلو گرم در اختیار داشت، در حالی که امروز ایران دارای دو مرکز غنی سازی اورانیوم با 12 هزار سانتریفیوژ فعال است که قادر است غنی سازی 20 درصد انجام دهد و هم اکنون حدود 8 تن ذخائر اورانیوم غنی شده در اختیار دارد.

چهارم: جنگ سایبری نوعی اعلان جنگ به ایران و به عنوان "ضربه اول " به این کشور است . حمله ویروسی استاکس نت صدمات جدی به فعالیت های هسته ای ایران وارد ساخت و در واقع نوعی حمله بود که می توانست با واکنش تهران در مقام دفاع از خود به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود.

پنجم: با حملات سایبری، آمریکا وغرب منافع بلند مدت خود در ایران را قربانی پیروزی ها و دستاوردهای کوتاه مدت و تاکتیکی می کنند و دیوار بی اعتمادی بین ایران و آمریکا بلندتر می شود.

ششم: ایران هم همان طور که اعلام کرده است می تواند در واکنش به حملات سایبری آمریکا و اسراییل و نیز سیاست ترور دانشمندان هسته ای ایران، به آمریکا و اسراییل حملات سایبری کند و تهدیدی فرا منطقه ای و جهانی علیه منافع آمریکا و اسراییل خلق کند . در این صورت هیچ طرفی در دنیا احساس امنیت نخواهد کرد.

هفتم: ایران برای مقابله با حملات و جنگ سایبری ظرفیتی توانمند در داخل ایجاد کرده است. بنا به اعتراف " مرکز مطالعات استراتژیک اسراییل " ارتش سایبری ایران  چهارمین ارتش سایبری قدرتمند در نوع خود در جهان است.

هشتم: ایران می گوید بازرسان آژانس و اطلاعاتی که آنها از ایران می گیرند پایه ای برای حملات ویروسی به تاسیسات هسته ای و ترور دانشمندان هسته ای این کشور می شود. این مساله برای وجهه سازمانی بین المللی چون "آژانس بین المللی انرژی هسته ای" مناسب نیست که بازرسان آن تبدیل به خبرچین و جاسوس دستگاه های اطلاعاتی آمریکا و اسراییل باشند..

نهم: حملات سایبری می تواند موضع تندرو ها در ایران مبنی بر "ضرورت ساخت سلاح هسته ای " را تقویت کند. ایران می تواند امروز سرنوشت دو کشور کره شمالی و لیبی را در مقابل دیدگانش داشته باشد . آمریکا به دلیل اینکه کره شمالی مسلح به سلاح هسته ای است علیه این کشور اقدام به " جنگ پنهان و سایبری" نمی کند در حالی که دولت معمر قذافی در لیبی که همه گونه همکاری در زمینه برنامه هسته ای خود کرد و تمامی تاسیسات خود را سوار بر کشتی تحویل آمریکا داد، در نهایت با حمله ناتو و آمریکا سرنگون شد.

دهم: تلفیق سیاست هایی چون حملات سایبری، ترور دانشمندان هسته ای و خرابکاری در تاسیسات هسته ای و صنعتی ، افکار عمومی در ایران را علیه سیاست های غرب می شوراند و دولت ایران  با ایران سیاست ها به این نتیجه می رسد که برنامه هسته ای یک بهانه است و هدف اصلی غرب " تغییر رژیم " ایران است

برجام به جنگ سایبری آمریکا علیه ایران خاتمه بخشید، جنگی که استمرار آن خسارت آمیز و تاثیرات منفی بین المللی گستر ده ای میتوانست داشته باشد.

16- شانزدهمین تاثیر بین المللی برجام، تقویت روند چندجانبه گرایی در روابط بین الملل بود. سیاست یکجانبه گرایی آمریکا آثار مخربی برای جامعه جهانی داشت. برجام بهترین مدل و سند برای اثبات برتری دیپلماسی چند جانبه گرایی در مقابل یکجانبه گرایی آمریکا است. استمرار روند چندجانبه گرایی میتواند به استراتژی یکجانبه گرایی آمریکا در روابط بین الملل را خاتمه بخشیده و نقش موثرتری در مدیریت بحرانهای جاری بین المللی و تامین صلح و ثبات و امنیت منطقه ای وبین الملیی داشته باشد.

17- معمولا قدرتهای بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل برای کشورها و بحرانها نسخه های مورد نظر خود را می پیچیدند و آنرا به کشورها تحمیل میکردند. شاید برای اولین بار بود که پنج قدرت جهانی عضو شورای امنیت سازمان ملل در مورد یک بحران بین المللی و تعیین و تکلیف شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، با یک کشور عضو، آنهم از جهان سوم، بر سریک میز نشستند تا به یک توافق مرضی الطرفین برسند. این پدیده ای بیسابقه یا کم سابقه در روابط بین المللی قدرتهای جهانی و اعضاء دائم شورای امنیت سازمان ملل بود که وزن ویژه ای به ایران در صحنه بین المللی داد.

درخاتمه باید گفت برجام از افتخارات دیپلماسی جامعه بین الملل است که شش قدرت جهانی و ایران سهمی مساوی در ثبت این افتخار دارند.

*سید حسین موسویان محقق و استاد فعلی دانشگاه پرینستون آمریکا و سخنگوی اسبق پرونده هسته ای ایران، معاون پیشین سیاست خارجی دبیرخانه شورایعالی امنیت ملی و سفیر پیشین جمهوری اسلامی در آلمان است*

1. http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1905899/20+%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84+%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C+%D8%B9%D8%AF%D9%85+%D8%AD%D9%85%D9%84%D9%87+%D8%A8%D9%87+%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86.html [↑](#footnote-ref-1)
2. http://fararu.com/fa/news/148583/12-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AF-%D8%B9%D8%B8%DB%8C%D9%85-%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%D9%85-%D9%87%D8%A7-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86 [↑](#footnote-ref-2)
3. http://www.tabnak.ir/fa/news/511001/%DA%98%D9%86%D8%B1%D8%A7%D9%84%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%DB%8C%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D8%A8%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D8%B1%D8%A7-%D9%86%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF [↑](#footnote-ref-3)
4. http://www.asriran.com/fa/news/272571/10-%D9%86%D8%B5%DB%8C%D8%AD%D8%AA-%D9%85%D9%88%D8%B3%D9%88%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%87%D8%A7-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AD%D9%85%D9%84%D9%87-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%A8%D8%B1%DB%8C-%D9%86%DA%A9%D9%86%DB%8C%D8%AF [↑](#footnote-ref-4)